

واکاوی پادگفتمان‌های حاکم بر مناظره امام صادق علیه السلام و

ابن ابی العوجاء

ناهید نصیحت^۱

چکیده

دوران امامت امام صادق علیه السلام، با توجه به فضای سیاسی متزلزل آن عصر، با نهضت‌ها و جنبش‌های فکری متعددی همراه بود. ایشان با بهره‌گیری هوشمندانه از این شرایط، در مسیر روشنگری افکار عمومی و معرفی مکتب اصیل اسلامی، از شیوه‌های علمی گوناگون، به‌ویژه مناظره با اندیشمندان برجسته مکاتب مختلف استفاده کرد. یکی از مناظره‌های مهم ایشان، در موضوع توحید، با ابن ابی العوجاء، ملحدی مادی‌گرا و از دانشمندان زبردست آن زمان، صورت گرفت. پژوهش حاضر با هدف تبیین راهبردها و استراتژی‌های امام صادق علیه السلام در ارتقای فکری جامعه خویش، و با بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد نشانه‌معناشناسانه، به بررسی کارکردهای پادگفتمان‌ها در فرایند تغییر معنا و تحکیم و تثبیت آن در این مناظره می‌پردازد. در واقع، این پژوهش به واکاوی پادها یا همان راهبردهایی می‌پردازد که در قالب چتر گفتمانی و حاشیه امن معنایی، نقطه ثقل گفتمان مرکزی را تقویت و تثبیت می‌کنند. بر این اساس، مقاله پیش‌رو در پی پاسخ به این پرسش است که امام صادق علیه السلام چگونه با بهره‌گیری از پادسازی، فرایند تغییر معنا را هدایت کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ایشان با ژرف‌نگری و دقت، از پادهای متنوعی چون پرسشگری، ارجاعی، تأکیدی، تأملی، تمثیلی و همسویی، متناسب با اندیشه ابن ابی العوجاء، برای تقویت هسته مرکزی گفتمان خود بهره برده و مخاطب را به شکست و سکوت در برابر حقیقت کشانده است.

واژگان کلیدی: پادگفتمان، مناظره، امام صادق علیه السلام، ابن ابی العوجاء.

۱. گروه آموزش زبان و ادبیات عربی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران؛ (n.nasihat@cfu.ac.ir)

مقدمه

ابزارهای تجلی‌دهنده علم، از آن‌رو که توانایی تسخیر عقل‌ها و دل‌ها را دارند، می‌توانند در جهت‌دهی رفتار مخاطب مطابق میل جهت‌دهنده و ایجاد فضایی مشروعیت‌ساز نقش‌آفرینی کنند؛ مسئله‌ای که در ارتباط مستقیم با ساحت قدرت نرم قرار دارد. یکی از مهم‌ترین این ابزارها، مناظره است که ظرفیت تولید بالاترین سطح از قدرت نرم را داراست (جمال‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۲۰۰). ائمه معصومین علیهم‌السلام از گفتمان مناظره به‌عنوان ابزاری رسانه‌ای با رویکرد استدلالی بهره می‌بردند تا در دوران خود قدرت نرم تولید کنند. در واقع، مناظره در نگاه ایشان «ابزاری اقناعی در ارتباطات میان‌فردی با ماهیتی تعاملی است که در بسیاری موارد به سمت تبادل‌ی شدن نیز سوق می‌یابد. اقناع در این دیدگاه، به‌منزله بروز تغییر اندیشه‌ورزانه، آگاهانه و اختیاری در مخاطب است» (سپنجی و مؤمن‌دوست، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴)؛ مهارتی که نیازمند به‌کارگیری تکنیک‌ها و استراتژی‌هایی متناسب با مخاطب و موقعیت اوست.

امام صادق علیه‌السلام از این نوع گفتمان در دوران خویش بهره فراوان برد. در روزگار ایشان، جهان اسلام از نظر فکری دچار اختلافات و آشفتگی‌های گسترده بود. وجود مذاهب مختلفی چون زنادقه، معتزله، مرجئه، غلات و مجبره - که هر یک اصول و اعتقادات خاص خود را داشتند - گواهی بر این وضعیت است. در چنین شرایطی، رسالت امام در پاسداری از میراث سنت نبوی بسیار سنگین بود. ایشان می‌کوشید با آموزش مبانی صحیح اسلام، امت اسلامی را به سوی مجد و عظمت سوق دهد. یکی از جلوه‌های این رسالت، اصلاح باورهای نادرست و تعمیق مبانی نظری تشیع بود؛ به‌ویژه با توجه به فضای نسبتاً مساعدی که در فاصله فروپاشی امویان و شکل‌گیری خلافت عباسی فراهم آمده بود (قاسم‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵).

طبیعتاً یکی از مهم‌ترین روش‌های امام در این مسیر و در مواجهه با دگرانديشان، مناظره بوده است. ایشان به‌تناسب مقتضیات عصر خویش، مناظرات متعددی با نحله‌های فکری مختلف داشت. افزون بر این، مناظرات امام با جریان‌های گوناگون فکری و فرهنگی، از ارکان مهم نظام آموزشی آن حضرت نیز به‌شمار می‌آید.

استفاده هوشمندانه از عقلانیت در این مناظرات، یکی از عوامل موفقیت امام در مهندسی فرهنگی جامعه شیعه و خضوع مخالفان و ملحدان در برابر ایشان بوده است (جان‌احمدی و نیک‌آفرین، ۱۳۹۱، ص ۸). امام با استدلال‌های عقلی، اندیشه‌های مشکوک مخالفان را آسیب‌پذیر می‌ساخت. از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مناظرات ایشان، مناظره مشهور با ابن‌ابی‌العوجاء -

ملحد و متکلم برجسته عصر عباسی - است که در جلد اول کتاب الأصول من الکافی، در باب «حدوث العالم و اثبات المحدث»، ثبت شده است (صص ۱۱۹-۱۳۴). این مناظره که در سه بخش و طی سه روز برگزار شده، افزون بر دفاعی هوشمندانه از عقاید اسلامی، از ظرافت‌های گفتاری و استدلالی استراتژیک برخوردار است. امام صادق علیه السلام در پاسخ به پرسش‌های چالش‌برانگیز و استدلال‌های پیچیده این منکر برجسته، با دقت و عمق اندیشه، او را به چالش کشیده است.

نوشتار پیش‌رو با هدف شناخت نظام‌مند استراتژی‌های به‌کاررفته در مناظره امام با ابن‌ابی‌العوجاء، به استخراج و تحلیل پادگفتمان‌های حاکم بر این مناظره می‌پردازد. پادگفتمان‌ها با کارکردهای خود، گفتمان مرکزی را تقویت کرده و به‌عنوان چتر حمایتی عمل می‌کنند. در این مقاله، با رویکرد نشانه‌معناشناسانه، چگونگی تولید معنا و نقش پادگفتمان‌ها در این مناظره بررسی می‌شود.

در واقع، نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش است که نظام پادگفتمانی در قالب چه کارکردها و گونه‌هایی در مناظره امام با ابن‌ابی‌العوجاء موجب برجسته‌سازی معنایی شده و چگونه به تولید قدرت گفتمانی منجر می‌شود. فرضیه پژوهش آن است که امام صادق علیه السلام با غور در اندیشه و گفتار ابن‌ابی‌العوجاء، از پادهایی چون پرسش‌گری، تمثیل، تأکید و موارد مشابه، به‌عنوان چتر حمایتی برای گفتمان خود بهره گرفته و در فرایندی متفاوت، مخاطب را به شکست و سکوت کشانده است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های محدود، اما مهم و ارزشمندی، مناظرات امام صادق علیه السلام را در محورهای سیاسی، فرهنگی، تربیتی، علمی و تاریخی مورد بررسی قرار داده‌اند. در این میان، آثار برجسته‌ای نیز با تمرکز بر بُعد ادبی این مناظره‌ها به رشته تحریر درآمده‌اند که از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. معتمد لنگرودی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله «کاربست روش تحلیل گفتمان انتقادی

فرکلاف در مناظره امام صادق علیه السلام با عمرو بن عبید معتزلی»، با بهره‌گیری از روش تحلیل

گفتمان انتقادی فرکلاف، به بررسی مناظره امام با عمرو بن عبید در موضوع امامت

پرداخته‌اند و ابزارهای زبانی و بیناگفتمانی امام را در اثبات اندیشه تحلیل کرده‌اند.

۲. قره‌خانی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «برهان‌انی در مناظره امام صادق (ع) با زندیق مصری از نگاه آیت‌الله جوادی آملی»، به تبیین نمونه‌ای از برهان «ان» در کلام امام پرداخته‌اند و با برجسته‌سازی موارد به‌کاررفته در اثبات مبدأ هستی، روش علمی امام را در مناظره با زندیق مصری بررسی کرده‌اند.
۳. رضایی (۱۳۹۶) در نوشتار «مناظره امام صادق (ع) با زندیق مصری در هنگام طواف»، مرحله نخست مناظره را که جدال احسن امام با زندیق مصری به نام عبدالله در موضوع اثبات وجود ذات اقدس الهی است، با تکیه بر قاعده دلالت الفاظ بر معنا و تنبیه به مرتکبات ذهنی تبیین کرده است.
۴. محمدی و جاودان (۱۳۹۶) در مقاله «رویکرد برهانی امام صادق (ع) در مواجهه با پرسش‌ها و شبهات اعتقادی»، چگونگی مواجهه امام با پرسش‌ها و شبهات کلامی را بررسی کرده و چارچوب استدلالی ایشان را در براهین اعتقادی تحلیل نموده‌اند.
۵. معجیدی (۱۳۹۶) در مقاله «تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق (ع)»، با هدف شناسایی بایسته‌های برگزاری کرسی‌های نقد، نظریه‌پردازی و مناظرات علمی، با اتکا به مناظره‌های امام، از روش تحلیل گفتمان انتقادی وندایک بهره گرفته و وجوه زبانی مناظره‌های امام با نمایندگان ادیان و فرق مختلف را بررسی کرده است.
۶. راونجی (۱۳۹۲) در مقاله «چیستی نظریه ایمان از دیدگاه امام صادق (ع)»، دیدگاه فرقه‌های مختلف درباره مفهوم ایمان را بررسی کرده و دیدگاه امام را در مناظرات ایشان و شاگردان با مخالفان و فرق گوناگون تشریح نموده است.
۷. جان‌احمدی و نیک‌آفرین (۱۳۹۱) در مقاله «ویژگی‌ها و شاخصه‌های نظام آموزشی امام صادق (ع)»، ضمن بررسی مهم‌ترین ویژگی‌های نظام آموزشی امام -از جمله خدامحوری، عقلانیت، فرامذهبی، پژوهش‌محوری، تخصص‌گرایی و تنوع در آموزش- به برخی از رفتارهای ایشان در مناظرات نیز به‌صورت کلی اشاره کرده‌اند.
۸. هوشنگی و شکرانی (۱۳۹۱) در مقاله «اصول و روش‌های حاکم بر مناظرات امام صادق (ع)»، برخی از روش‌های موجود در مناظرات امام را بررسی و معرفی کرده‌اند. پژوهش‌های ارزشمندی که به محور نشانه‌معناشناسی پادگفتمانی پرداخته‌اند، عبارت‌اند از: مقاله «نقش پادگفتمان‌ها در جهت مجاب‌سازی مخاطب در قابوس‌نامه» (خدادادی، ۱۴۰۳)،

که نویسنده در آن با رویکرد نشانه‌معناشناسی و روش تحلیل کیفی گفتمان، به بررسی نقش پادگفتمان‌ها در مجاب‌سازی روایت‌شنو (مخاطب) پرداخته و نتیجه گرفته است که راوی با نکته‌سنجی‌های خردمندانه، سخن خود را با پادگفتمان‌های مجابی، دوراندیشی، تضمینی، مذاکره‌ای، تفکیکی، تراکمی، تطابقی و زنجیره‌ای مستحکم ساخته است.

در مقاله «کارکرد پادگفتمان‌های دینی و آیینی در پیشبرد روایت؛ مطالعه موردی قصه‌های عامیانه کوتاه ایران» (سجادی‌فر و پرنیان، ۱۴۰۱)، با رویکرد نشانه‌معناشناسی گفتمانی، نمود و کارکرد پادگفتمان‌های دینی و آیینی در ۲۵ قصه کوتاه عامیانه از آثار انجوی شیرازی بررسی شده است.

در مقاله «بررسی و تحلیل کارکرد پادگفتمانی در داستان شیخ صنعان» (کنعانی و رزمی، ۱۴۰۰)، نویسندگان با تبیین سازوکار زبانی و دلالتی متن، از منظر کارکرد پادگفتمانی، شیوه‌های تعامل و رقابت میان گفتمان‌های مختلف را در این داستان و نیز نقش پادگفتمان‌ها را در شکل‌دهی به دلالت‌پردازی و فرایند معناسازی تحلیل کرده‌اند.

مقاله «تحلیل پادگفتمان قرآنی دو نگاره حضرت یوسف در زندان و حضرت یونس و ماهی از فال‌نامه شاه تهماسبی» (پایدارفرد و همکاران، ۱۳۹۷)، به بررسی چگونگی دریافت معنا در انتقال داستان دو پیامبر از قرآن به تصویر در قالب نگارگری و نیز بروز گفتمان پاد یا حمایت الهی در نگاره‌های مربوط به این دو پیامبر پرداخته است.

در مقاله «بررسی و تحلیل کارکرد پادگفتمانی نامه‌های نیما یوشیج» (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶)، نویسندگان ضمن تبیین نقش پادگفتمان‌ها در برقراری ارتباط و تأثیر آن در فرایند تولید، تداوم و استحکام معنا، نمونه‌هایی از نامه‌های نیما یوشیج را بررسی کرده‌اند.

مقاله «نقش پادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کهف» (داودی‌مقدم و همکاران، ۱۳۹۶)، به تحلیل انواع پادگفتمان‌های کهن‌الگویی، ناظرساز، خرق عادت و... در داستان‌های یاران غار و خضر و موسی (علیه السلام) در سوره کهف پرداخته است.

همچنین مقاله «نقش پادگفتمانی استعاره زبانی در ترمیم فرایند ارتباطی در نامه‌های نیما یوشیج» (رضایی و همکاران، ۱۳۹۵)، نقش استعاره را در شکل‌گیری معنا و انسجام‌بخشی به گفتمان در نامه‌های نیما بررسی کرده و به کارکردهای پادگفتمانی استعاره در ترمیم گفتمان پرداخته است.

با وجود این پژوهش‌ها، تاکنون رویکرد نشانه‌معناشناسی در کنار گفتمان مناظرات امام

صادق علیه السلام به صورت تلفیقی مورد بررسی قرار نگرفته است. در مقاله حاضر تلاش می شود به منظور تبیین راهبردهای امام در اثبات حق و ارتقای فکری جامعه، گفتمان ایشان در مناظره با ملحد معروف، بر محور نشانه معناشناسی پادگفتمانی مطالعه شود؛ محوری که تاکنون در قلم فرسایی محققان درباره مناظرات امام و گفتمان تعاملی ایشان مغفول مانده است.

چارچوب نظری پژوهش

گفتمان، عرصه تولید معناست و پادگفتمان نیز نقشی مهم در فرایند تولید، تداوم و تثبیت معنا ایفا می کند. بررسی پادگفتمان های حاکم بر مناظره امام صادق علیه السلام با ابن ابی العوجاء و تحلیل نقش آن ها در فرایند معناسازی، مستلزم واکاوی دقیق گفتمان، پادگفتمان و بافت موقعیتی مناظره است؛ امری که در چارچوب نظری این پژوهش به آن پرداخته می شود.

۱. گفتمان و پادگفتمان

از گفتمان، به عنوان وسیله ارتباطی انسان ها با یکدیگر و با جهان بیرون، تعاریفی با واژگان متفاوت اما مفاهیمی نسبتاً مشابه ارائه شده است. از جمله، گفتمان «قطعه ای از زبان معنادار است که اجزای آن به نحوی با یکدیگر مرتبط اند و هدف خاصی را دنبال می کند» (یارمحمدی، ۱۳۸۳، ص ۱). به بیان دیگر، گفتمان «شکلی از کاربرد زبان» است (وان دایک، ۱۳۸۲، ص ۱۶) که می توان آن را بر اساس نهادها و ساختارهایی که با آن مرتبط اند، و نیز بر پایه موقعیت یا موضعی که از آن برمی خیزد و جایگاهی که برای گوینده در نظر گرفته می شود، تعریف کرد (مک دانل، ۱۳۸۰، ص ۵۸).

در واقع، گفتمان به موضع گیری سوژه ای اطلاق می شود که جریان معنا را هدایت می کند و با به کارگیری راهبردهای مختلف، به تولید معنا می انجامد (شعیری، ۱۴۰۳، ص ۲۶۸). بنابراین، گفتمان ساختاری جهت مند، هدف دار و فراتر از زبان است که تفکرات و ذهنیات مولد خود را دربرمی گیرد و او را در موضع گیری اش راهنمایی می کند. در نتیجه، گفتمان یک عملیات ارتباطی است که میان گفته پرداز (فرستنده متن، فاعل نویسا یا راوی) و گفته اب (گیرنده پیام، فاعل خوانا یا روایت شنو) جریان می یابد و شکل می گیرد.

پادگفتمان نیز حاصل تحولات نوین در حوزه تحلیل گفتمان است که معادل دقیقی در زبان های دیگر ندارد. افزودن پیشوند «پاد» به واژه گفتمان، مفهومی جدید می سازد که به اتخاذ راهبردهایی هم سو و ایجاد هاله هایی اطلاق می شود که حول محور گفتمان مسلط شکل می گیرند. این راهبردها با ایجاد وجه مجابی و مشروعیت بخشی به گفتمان، قدرت مندی آن را تضمین

می‌کنند (کنعانی و رزمی، ۱۴۰۰، ص ۴۶)، حتی اگر گفتمان مرکزی از پیش قدرتمند باشد. در این وضعیت، پادسازی گفتمانی رخ می‌دهد؛ یعنی گفتمان مرکزی با تحت پوشش قرار دادن گفتمان‌های دیگر در یک فضای مشترک، به تقویت و تثبیت حضور خود می‌پردازد و توانش معنایی جدیدی را شکل می‌دهد. به عبارت دیگر، وضعیت پادگفتمانی «وضعیتی است که در آن دو یا چند گفتمان در تعامل یا چالش با یکدیگر قرار می‌گیرند و یک گفتمان، چتر حمایتی برای گفتمان دیگر محسوب می‌شود و آن را تحت حمایت خود قرار می‌دهد» (شعیری، ۱۴۰۳، ص ۲۷۳).

ساختار این گفتمان‌های حمایتی، متأثر از مؤلفه‌هایی چون فرهنگ، آداب و سنن، اعتقادات دینی، آیینی، اساطیری و... است. پادگفتمان‌ها در نقش حمایتی خود، در کنار هسته گفتمان در روایت حضور می‌یابند و هاله‌ای معنایی - حمایتی ایجاد می‌کنند که هسته گفتمان را در فراز و فرودهای روایت پشتیبانی می‌کند (سجادی‌فر و پرنیان، ۱۴۰۱، ص ۱۹۰).

این همان کارکرد پادگفتمان است که با ایجاد چتر گفتمانی یا حاشیه امن معنایی، نقطه ثقل گفتمان مرکزی را تقویت کرده، به آن استحکام می‌بخشد و از این طریق، به تولید و گسترش معنا منجر می‌شود.

۲. امام صادق علیه السلام و مبارزه با انحرافات فکری

امام صادق علیه السلام به مدت ۳۴ سال، از سال ۱۱۴ تا ۱۴۸ هجری، امامت شیعیان را بر عهده داشت. ایشان شخصیتی جامع‌الاطراف بود؛ مرد مبارزه، علم، دانش و تشکیلات. در طول امامت خود، مبارزه‌ای دامنه‌دار و پیوسته را دنبال کرد؛ ده سال با بنی‌امیه و سال‌های طولانی‌تری با بنی‌عباس به مقابله پرداخت (خامنه‌ای، ۱۳۹۱، ص ۲۶۲).

امام در دوره‌ای خاص می‌زیست؛ از یک‌سو، جنگ‌های قدرت میان بنی‌امیه و بنی‌عباس فرصتی مناسب برای فعالیت‌های فرهنگی و علمی ایشان فراهم آورده بود، و از سوی دیگر، پرسش‌ها و شبهات فراوانی از سوی ملحدان و اهل سنت مطرح می‌شد که امام با دقت و ژرف‌اندیشی به آن‌ها پاسخ می‌داد (محمدی و جاودان، ۱۳۹۶، ص ۷۱). در واقع، عصر امام صادق علیه السلام - دهه دوم تا پنجم قرن دوم هجری - از نظر اسلامی، دوره‌ای منحصر به فرد بود؛ دوره نهضت‌ها و انقلاب‌های فکری، بیش از تحولات سیاسی (مطهری، ۱۴۰۲، ص ۱۲۳). این دوران، که به سبب تنوع مکاتب فکری از پرفراز و نشیب‌ترین ادوار تاریخ اسلام به‌شمار می‌آید، بستری مناسب برای بنیان‌گذاری مبارزه اصیل مکتبی فراهم ساخت. چنان‌که گفته شده: «روزگار ایشان و هنگامه فروپاشی دولت اموی و شکل‌گیری دولت عباسی، برای شیعه مناسب‌ترین دوره فرهنگی

برای معرفی مکتب خود بود. در این دوره، راه تفصیل مذهب گشوده شد» (قاسم‌پور، ۱۳۸۹، ص ۱۱۹).

امام در طول امامت خود، شور و نشاط علمی و فرهنگی کم‌نظیری را در جامعه اسلامی گسترش داد. ایشان در میدان مبارزه فکری، با تمامی جریان‌های فکری عصر خود به گفت‌وگو و مباحثه علمی پرداخت تا با عقاید نادرست و انحرافی مقابله کرده و راه اصلاح اندیشه‌های منحرف را نشان دهد (قره‌خانی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۵). امام به‌عنوان مدافع و مبلغ راستین اسلام و معارف قرآنی، به شیوه‌های گوناگون با فرقه‌های انحرافی و سرکردگان آن‌ها مواجه شد. این مواجهه‌ها، از یک‌سو خطرات فکری آنان را دفع می‌کرد، و از سوی دیگر، بستری مناسب برای ارائه فرهنگ ناب مکتب اهل بیت علیهم‌السلام فراهم می‌ساخت (خاکپور و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۲۶۸).

در میان همه گروه‌های فکری آن زمان، زنادقه خطرناک‌ترین بودند. آنان اساساً منکر خدا و ادیان بودند و آزادی بیان داشتند؛ حتی در حریم شریفین، مسجدالحرام و مسجدالنبی، آزادانه سخن می‌گفتند. این گروه، طبقه‌ای متجدد، تحصیل کرده و آشنا به زبان‌های روز بودند (مطهری، ۱۴۰۲، ص ۱۳۱). یکی از برجسته‌ترین زندیقان و ملحدان مادی‌گرا، ابن‌ابی‌العوجاء بود که از دانشمندان زبردست زمان خود به‌شمار می‌رفت.

امام صادق علیه‌السلام مناظراتی با وی در موضوع توحید داشته است. یکی از این مناظرات، در زمانی رخ داد که امام در مکه حضور داشت. ابن‌ابی‌العوجاء و دوستش ابن‌مقفع در مسجدالحرام نشسته بودند. ابن‌مقفع با اشاره به طواف‌کنندگان، به ابن‌ابی‌العوجاء گفت: هیچ‌یک از اینان را نمی‌توان انسان نامید، مگر آن پیرمرد، یعنی امام صادق علیه‌السلام. با توجه به تعاریفی که ابن‌مقفع از امام ارائه داد، ابن‌ابی‌العوجاء تحریک شد تا نزد ایشان رود. مناظره‌ای میان آن دو در محور توحید و اثبات وجود حق تعالی شکل گرفت. پس از پایان گفت‌وگو، ابن‌ابی‌العوجاء بازگشت و اعتراف کرد که امام از جنس بشر نیست؛ گفت: اگر روحی در این جهان مجسم شود و خود را در کالبدی بنمایاند، او همین شخص است (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۵).

در این مقاله، پادگفتمان‌ها و استراتژی‌های حاکم بر این مناظره واکاوی می‌شود تا روشن گردد چگونه امام صادق علیه‌السلام با بهره‌گیری از قدرت گفتار، عقلانیت و راهبردهای معنایی، گفتمان توحیدی را تثبیت و تقویت کرده است.

پیکره اصلی بحث

پادگفتمان‌های پرسشی، تأکیدی، ناظرساز، مؤلفه‌ساز یا ارجاعی، تأملی، پادسازی گفتمانی با

فراخواندن مخاطب به همسویی فکری با گفته‌پرداز، و پادگفتمان تمثیلی، از جمله راهبردهایی هستند که امام صادق علیه‌السلام در مناظره خود با ابن‌ابی‌العوجاء، متناسب با موقعیت فکری مخاطب، به‌کار گرفته است.

۱. پادگفتمان پرسشی؛ آغازی بر مناظره

یکی از شگردهای مؤثر در پادسازی و زمینه‌سازی برای حمایت از گفته، طرح پرسشی است که پاسخ آن در سطح نشانه‌ها آشکار نیست، بلکه به‌صورت پوشیده و غیرمستقیم در سطح محتوا بروز می‌یابد. این نوع پرسش، همان پرسش انکاری است که گفته‌پرداز با آن مخاطب را به چالش می‌کشد و باور او را زیر سؤال می‌برد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۵۱). هدف اصلی در پرسش انکاری، انتقاد است، نه دریافت پاسخ برای کسب آگاهی. امام صادق علیه‌السلام در مناظره خود با ابن‌ابی‌العوجاء، از این پادگفتمان به‌عنوان چتر حمایتی برای اثبات حق و تحکیم معناهای بنیادین بهره می‌گیرد.

از آن‌جا که مناظره در مسجدالحرام رخ می‌دهد، امام با جمله‌ای پرسشی و انکاری آغاز می‌کند: «اگر حق با طواف‌کنندگان باشد- که هست- شما در هلاکتید؛ و اگر حق با شما باشد - که نیست- در این صورت یکسانید» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶).

ابن‌ابی‌العوجاء معتقد است که سخن او و طواف‌کنندگان یکی است: «ما قَوْلِي وَقَوْلُهُمْ إِلَّا وَاحِدًا». امام در پاسخ، با پاد پرسشی، این ادعا را رد می‌کند و می‌پرسد: «چگونه ممکن است سخن تو و آنان یکی باشد، در حالی که آنان به معاد، ثواب، عقاب و وجود الهی باور دارند، اما شما چنین اعتقادی ندارید؟» «وَكَيْفَ يَكُونُ قَوْلُكَ وَقَوْلُهُمْ وَاحِدًا، وَهُمْ يَقُولُونَ إِنَّ لَهُمْ مَعَادًا وَثَوَابًا وَعِقَابًا، وَيَدِينُونَ بَأَنَّ لِلسَّمَاءِ إِلَهًا وَأَنَّهَا عُمَرَانُ، وَأَنْتُمْ تَزْعُمُونَ أَنَّ السَّمَاءَ خَرَابٌ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ» (همان، ص ۱۲۶).

امام علاوه بر طرح پرسش، خود نیز پاسخ را ارائه می‌دهد و تفاوت‌ها را روشن می‌سازد. این نشان می‌دهد که هدف از پاد پرسشی، دریافت آگاهی نیست، بلکه تقویت قدرت گفتمان و اقناع مخاطب است.

در مقابل، ابن‌ابی‌العوجاء نیز از پاد پرسشی برای دفاع از باورهای خود بهره می‌گیرد و می‌پرسد: «اگر آن‌گونه که می‌گویند، خدا وجود دارد، چرا خود را آشکار نمی‌سازد تا اختلافی پیش نیاید؟ چرا از خلق خود پنهان شده و پیامبران را فرستاده است؟» «ما مَنَعَهُ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ كَمَا يَقُولُونَ أَنْ يَظْهَرَ لِحَلْقِهِ وَ يَدْعُوهُمْ إِلَى عِبَادَتِهِ حَتَّى لَا يَخْتَلَفَ فِيهِ اثْنَانِ؟ لِمَ احْتَجَبَ عَنْهُمْ وَأَرْسَلَ إِلَيْهِمُ الرُّسُلَ؟»

(همان).

امام در پاسخ، بار دیگر از پاد پرسشی بهره می‌گیرد و می‌فرماید: «چگونه خداوند از تو پوشیده است، در حالی که آثار قدرت او را در وجود خودت می‌بینی؛ از تولد و رشد گرفته تا ضعف و قدرت، سلامت و بیماری...» «وَيْلَكَ كَيْفَ احْتَجَبَ عَنْكَ مَنْ أَرَاكَ قُدْرَتَهُ فِي نَفْسِكَ تُشَوِّعُ وَلَمْ تَكُنْ، وَكَبْرَكَ بَعْدَ صَغَرِكَ...» (همان).

در بخش دوم مناظره، که در روزی دیگر رخ می‌دهد، ابن‌ابی‌العوجاء برای دریافت پاسخ نزد امام بازمی‌گردد. امام با طرح پرسش‌هایی متعدد، تلاش می‌کند او را مجاب سازد. از جمله می‌پرسد: «أَمْصَنُوعُ أَنْتَ أَمْ غَيْرُ مَصْنُوعٍ؟» (همان، ص ۱۲۷) آیا ساخته‌شده‌ای یا نه؟ و سپس برای تقویت استدلال، پرسش دیگری مطرح می‌کند: «فَصِفْ لِي لَوْ كُنْتُ مَصْنُوعاً كَيْفَ كُنْتُ تَكُونُ؟» اگر ساخته‌شده بودی، چه ویژگی‌هایی می‌داشتی؟ ابن‌ابی‌العوجاء در برابر این پرسش‌ها پاسخی ندارد و محکوم می‌شود: «فَبَقِيَ عَبْدُ الْكَرِيمِ مَلْتِياً لَا يَحِيرُ جَوَاباً...» و در ادامه اذعان می‌کند: «سَأَلْتَنِي عَنْ مَسْأَلَةٍ لَمْ يَسْأَلْنِي أَحَدٌ عَنْهَا قَبْلَكَ، وَلَا يَسْأَلْنِي أَحَدٌ بَعْدَكَ عَنْ مِثْلِهَا» (همان).

در بخش سوم مناظره، که در روز سوم رخ می‌دهد، ابن‌ابی‌العوجاء خود با پرسش وارد می‌شود و از این شگرد به‌عنوان پاد حمایتی برای دفاع از باورهایش بهره می‌گیرد. او دلیل حدوث اجسام و تغییر آن‌ها را جویا می‌شود: «ما الدليلُ على حدوثِ الأجسام؟» (همان، ص ۱۲۹).

امام با استناد به یک قضیه تجربی و عقل‌پسند، حدوث اشیاء و قدم ذات باری تعالی را اثبات می‌کند (محمّدی و جاودان، ۱۳۹۶، ص ۷۸): «من هیچ چیز کوچک یا بزرگی را ندیدم، مگر آن‌که اگر چیزی از جنس خودش به آن افزوده شود، بزرگ‌تر می‌شود؛ و این نشانه زوال و انتقال از حالت نخست است. اگر چیزی قدیم باشد، تغییر نمی‌کند؛ و اگر تغییر کند، امکان نابودی دارد. این تغییر، دلیل حدوث آن است. زیرا صفت ازلیت با صفت عدم در یک چیز جمع نمی‌شود»: «إِنِّي مَا وَجَدْتُ صَغِيراً وَلَا كَبِيراً إِلَّا وَإِذَا ضُمَّ إِلَيْهِ مِثْلُهُ صَارَ أَكْبَرَ، وَفِي ذَلِكَ زَوَالٌ وَانْتِقَالٌ عَنِ الْحَالَةِ الْأُولَى، وَلَوْ كَانَ قَدِماً مَا زَالَ وَلَا حَالَ، لِأَنَّ الَّذِي يَزُولُ وَيَحُولُ يَجُوزُ أَنْ يُوجَدَ وَيَبْطُلَ، فَيَكُونُ بِوُجُودِهِ بَعْدَ عَدَمِهِ دُخُولٌ فِي الْحَدَثِ، وَفِي كَوْنِهِ فِي الْأَزَلِ دُخُولُهُ فِي الْعَدَمِ، وَلَنْ تَجْتَمَعَ صِفَةُ الْأَزَلِ وَالْعَدَمِ فِي شَيْءٍ وَاحِدٍ» (کلینی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۹).

با پاسخ قاطع امام، مخاطب از سخن بازمی‌ماند و محکوم می‌شود. این از جمله تکنیک‌های امام است که با بهره‌گیری از استدلال‌های تجربی و عقلانی، چتر حمایتی برای گفتمان خود ایجاد کرده و مخاطب را مجاب می‌سازد (محمّدی و جاودان، ۱۳۹۶، ص ۷۸).

بدین ترتیب، پادگفتمان پرسشی، هاله‌ای معنایی و راهبردی است که امام صادق علیه‌السلام با آن، گفتمان خود را نفوذناپذیر و مقتدر می‌سازد.

۲. پادگفتمان تأکیدی و ناظر ساز؛ ترغیب مخاطب

پاد ناظر ساز، نوعی پادگفتمان است که با حمایت و تشویق ناظری آگاه یا عاطفی، انرژی لازم برای توسعه کنش را فراهم می‌سازد. این پاد، جنبه تشویقی و ترغیبی گفتمان را برجسته می‌کند و از طریق یادآوری شرایط مطلوب کنشی، بر استمرار آن تأکید ایجابی دارد (داودی مقدم و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶). این نوع پاد در مناظره امام صادق علیه‌السلام با ابن‌ابی‌العوجاء به وضوح متجلی است و بر گفتمان اصلی مناظره، وجهی تأکیدی دارد؛ گویی امام، به عنوان گفته‌پرداز، برای غلبه بر مخاطب خود از این راهبرد بهره می‌گیرد.

در آغاز مناظره، امام سخن خود را با تأکید بر حقانیت طواف کنندگان در برابر ملحدان، با عبارت «وهو علی ما یقولون» آغاز می‌کند: «إِنْ يَكُنْ الْأَمْرُ عَلَى مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ وَهُوَ عَلَى مَا يَقُولُونَ - يَعْنِي أَهْلَ الطَّوَافِ - فَقَدْ سَلِمُوا وَعَظِمْتُمْ، وَإِنْ يَكُنْ الْأَمْرُ كَمَا تَقُولُونَ، وَلَيْسَ كَمَا تَقُولُونَ، فَقَدْ اسْتَوَيْتُمْ وَهُمْ» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶).

امام می‌فرماید: «اگر حقیقت همان باشد که اینان می‌گویند - و البته همان است که می‌گویند - آنان در سلامت‌اند و شما در هلاکت؛ و اگر حق آن باشد که شما می‌گویید - که مسلماً چنین نیست - در آن صورت شما و آنان یکسانید».

امام با اتکا به دو عبارت کلیدی «وهو علی ما یقولون» و «ولیس کما تقولون» که نقش چتر گفتمانی دارند، زمینه پذیرش و باور به حق را برای مخاطب فراهم می‌سازد و کارکرد پادگفتمانی را به خوبی نمایان می‌کند.

این نوع پاد در بخش پایانی مناظره نیز جایگاهی دوباره می‌یابد؛ آن‌جا که امام، ابن‌ابی‌العوجاء را در سال بعد، در موسم حج، ملاقات می‌کند و ضمن پرسش از علت حضور او، اجازه جدال را نمی‌دهد و می‌فرماید: «إِنْ يَكُنْ الْأَمْرُ كَمَا تَقُولُ وَلَيْسَ كَمَا تَقُولُ نَجَوْنَا وَنَجَوْتَ، وَإِنْ يَكُنْ الْأَمْرُ كَمَا نَقُولُ وَهُوَ كَمَا نَقُولُ نَجَوْنَا وَهَلَكْتَ» (همان، ص ۱۳۴).

امام با دو پاد تأکیدی «لیس کما تقول» پس از «کما تقول» و «هو کما تقول» پس از «کما تقول»، بر حقانیت باور خود صحنه می‌گذارد و از آن حمایت می‌کند. این پاد، در باورپذیر شدن گفتمان، به عنوان عاملی تأکیدی عمل کرده و تسلط گفتمان امام را به روشنی نشان می‌دهد.

۳. پادگفتمان مؤلفه ساز یا ارجاعی؛ حضوری در گذشته و حال

یکی از شیوه‌های بهره‌گیری از پادگفتمان، استفاده از مؤلفه‌های اشاری، پایگاه‌های ارجاعی و تکرار ضمائر است که در اصطلاح، «پاد مؤلفه‌ساز» نامیده می‌شود (داودی مقدم، ۱۳۹۶، ص ۱۲). در مناظره امام صادق علیه السلام با ابن ابی العوجاء، یکی از پادهای قدرتمند و مؤثر که بر گفتمان مناظره حاکم است، همین پاد ارجاعی است. امام در پاسخ به پرسش ملحد درباره لزوم آشکار شدن خداوند در برابر دیدگان بندگان، جلوه‌های قدرت الهی را در وجود خود مخاطب برمی‌شمارد تا تأثیرگذاری بیشتری بر او داشته باشد. ایشان می‌فرماید: چگونه ممکن است خداوند از تو پنهان باشد، در حالی که قدرتش را در وجودت به نمایش گذاشته است؟ تو را آفرید در حالی که نبود؛ رشد داد پس از کودکی؛ نیرو بخشید پس از ضعف؛ ضعیف کرد پس از قدرت؛ بیمار ساخت پس از سلامتی؛ شفا داد پس از بیماری؛ و... «وَيْلَكَ كَيْفَ احْتَجَبَ عَنْكَ مَنْ أَرَاكَ قُدْرَتَهُ فِي نَفْسِكَ؟ نُشُوءُكَ وَلَمْ تَكُنْ، وَكِبَرُكَ بَعْدَ صِغَرِكَ، وَقُوَّتُكَ بَعْدَ ضَعْفِكَ، وَضَعْفُكَ بَعْدَ قُوَّتِكَ، وَسُقْمُكَ بَعْدَ صِحَّتِكَ، وَصِحَّتُكَ بَعْدَ سُقْمِكَ، وَرِضَاكَ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَغَضَبُكَ بَعْدَ رِضَاكَ، وَحُزْنُكَ بَعْدَ فَرَحِكَ، وَفَرَحُكَ بَعْدَ حُزْنِكَ، وَحَبَبُكَ بَعْدَ بُغْضِكَ، وَبُغْضُكَ بَعْدَ حَبَبِكَ، وَعَزَمَكَ بَعْدَ أُنَاتِكَ، وَأُنَاتَكَ بَعْدَ عَزَمِكَ، وَشَهْوَتَكَ بَعْدَ كِرَاهَتِكَ، وَكِرَاهَتَكَ بَعْدَ شَهْوَتِكَ، وَرَغْبَتَكَ بَعْدَ رَهْبَتِكَ، وَرَهْبَتَكَ بَعْدَ رَغْبَتِكَ، وَرَجَاءُكَ بَعْدَ يَأْسِكَ، وَيَأْسُكَ بَعْدَ رَجَائِكَ، وَخَاطَرُكَ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي وَهْمِكَ، وَعُزُوبٌ مَا أَنْتَ مُعْتَقِدُهُ عَنْ ذَهْنِكَ» (کلینی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۱۲۶).

گفته‌پرداز با تکیه بر ضمیر مخاطب «ک» که به صورت فشرده و مکرر در متن حضور دارد، در پی مجاب‌سازی ابن ابی العوجاء است. امام با ارجاع به گذشته و حال مخاطب، حضور خداوند را اثبات می‌کند. ایشان با برشمردن ویژگی‌های انسانی مخاطب، به وجهی از تجربه زیسته او ارجاع می‌دهد؛ گویی کنش‌گر در موقعیتی ثابت و پایدار قرار ندارد. امام از همین تغییرپذیری به عنوان پاد حمایتی بهره می‌گیرد و مخاطب را به اعتراف و پذیرش حقایق وامی‌دارد.

در این پادگفتمان، برای سوژه دو وضعیت «گذشته» و «حال» تعریف می‌شود. ارجاع به این دو وضعیت، به مثابه راهبردی معنایی، به پاسخ‌گویی به پرسش ملحد و تقویت گفتمان امام منجر می‌شود.

نکته مهم دیگر در این پاد، نوع زاویه دید است. زاویه دید، به عنوان نظرگاه، سبب می‌شود تا سخن برای مخاطب جذاب‌تر و پذیرفتنی‌تر گردد. زیرا گفته‌پرداز «که در پی بازآفرینی واقعیت است، می‌کوشد متن را از منظر شخصیتی نقل کند که تا حد امکان آن را محتمل‌تر و باورپذیرتر جلوه دهد و تأثیر مورد نظر را در ذهن مخاطب تثبیت کند» (پورنداف و همکاران، ۱۳۹۴،

ص ۱۳۱).

در این متن، زاویه دید «ویژه یا جزءنگر» به‌عنوان گونه‌ای شناختی مبتنی بر ریزنگری، به‌وضوح متجلی است. یعنی جزئی از یک کل جدا شده و با دقت و وسواس مورد توجه قرار می‌گیرد (شعیری، ۱۳۹۵، ص ۸۳). این نوع پردازش دقیق و جزئی، زاویه دید را جزءنگر می‌سازد. امام با قرار دادن ابن‌ابی‌العوجاء در موقعیتی خاص، او را تحت تأثیر جریان شناختی ویژه‌ای قرار می‌دهد تا در مسیر مدنظر هدایت شود. ایشان ویژگی‌هایی از انسان را -مانند به‌وجود آمدن، رشد، توانایی و ناتوانی، بیماری و سلامتی، خشم و رضایت، غم و شادی، عشق و نفرت، عزم و سستی، ترس و رغبت، امید و ناامیدی و...- ترسیم می‌کند. در این نگرش، مخاطب با زاویه دیدی مواجه است که بر انسان و ویژگی‌های متغیر او تمرکز دارد. گویی تمام این ویژگی‌ها، اجزای ضمیر «ک» هستند که با دقتی بالا پردازش شده‌اند.

۴. پادگفتمان تأملی؛ خویشتن‌کاوی و توجه به مشاهدات و محسوسات

یکی از پادگفتمان‌هایی که در راستای اقناع مخاطب و حمایت از گفتمان غالب در مناظره امام صادق (ع) با ابن‌ابی‌العوجاء نقش‌آفرینی می‌کند، پادگفتمان تأملی و دوراندیشانه است. گفته‌پرداز در پاسخ به پرسش مخاطب مبنی بر لزوم آشکار شدن خداوند متعال در برابر دیدگان بندگان و دعوت مستقیم ایشان به ایمان، مخاطب را به اندیشه در وجود و خلقت خویش فرا می‌خواند تا تجلی ذات حق را در درون خود مشاهده کند.

امام با برشمردن جلوه‌هایی از تغییرات پی‌درپی در وجود انسان -از جمله به‌وجود آمدن، رشد، توانایی و ناتوانی، بیماری و سلامتی، خشم و رضایت، غم و شادی، عشق و نفرت، عزم و سستی، ترس و رغبت، امید و ناامیدی- مخاطب را به تأمل در این تحولات دعوت می‌کند: «وَيْلَكَ كَيْفَ احْتَجَبَ عَنْكَ مَنْ أَرَاكَ قُدْرَتَهُ فِي نَفْسِكَ؟ نُشُوءُكَ وَلَمْ تَكُنْ، وَكِبَرُكَ بَعْدَ صِغَرِكَ، وَقُوَّتُكَ بَعْدَ ضَعْفِكَ، وَضَعْفُكَ بَعْدَ قُوَّتِكَ، وَسُقْمُكَ بَعْدَ صِحَّتِكَ، وَصِحَّتُكَ بَعْدَ سُقْمِكَ، وَرِضَاكَ بَعْدَ غَضَبِكَ، وَغَضَبُكَ بَعْدَ رِضَاكَ، وَحُزْنُكَ بَعْدَ فَرَحِكَ، وَفَرَحُكَ بَعْدَ حُزْنِكَ، وَحَبْكُكَ بَعْدَ بُغْضِكَ، وَبُغْضُكَ بَعْدَ حَبْكِكَ، وَعَزْمُكَ بَعْدَ أُنَاتِكَ، وَأُنَاتُكَ بَعْدَ عَزْمِكَ، وَشَهْوَتُكَ بَعْدَ كِرَاهَتِكَ، وَكِرَاهَتُكَ بَعْدَ شَهْوَتِكَ، وَرَغْبَتُكَ بَعْدَ رَهْبَتِكَ، وَرَهْبَتُكَ بَعْدَ رَغْبَتِكَ، وَرَجَاءُكَ بَعْدَ يَأْسِكَ، وَيَأْسُكَ بَعْدَ رَجَائِكَ، وَخَاطَرُكَ بِمَا لَمْ يَكُنْ فِي وَهْمِكَ، وَعَزُوبٌ مَا أَنْتَ مُعْتَقِدُهُ عَنْ ذَهْنِكَ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۲۶).

آنچه از این سخن برمی‌آید، دعوت به عبرت‌گیری از دگرگونی‌های درونی انسان است؛ تحولات مستمر و متضادی که در وجود آدمی رخ می‌دهد، خود نشانه‌ای از حضور و قدرت الهی

است. این پادگفتمان تأملی، نقش مهمی در تأیید گفتمان امام و اقناع ابن‌ابی‌العوجاء ایفا می‌کند و واکنشی خاص در وی برمی‌انگیزد؛ چنان‌که در پایان این بخش از مناظره، اعتراف می‌کند که امام در این گفت‌وگو پیروز خواهد بود:

«وما زال يُعَدُّ عليَّ قدرته التي هي في نفسي التي لا أدفعها، حتَّى ظننتُ أنه سيظهرُ فيما بيني وبينه» (همان، ص ۱۲۷).

کاربرد این استراتژی، در تسهیل درک مخاطب و انتقال معنای مورد نظر امام بسیار مؤثر واقع می‌شود و تحکیم گفتمان امام، موجب می‌گردد که مخاطب توان دفاع از موضع خود را از دست بدهد و بخش نخست مناظره به پایان برسد.

۵. پادسازی گفتمانی با فراخواندن مخاطب به همسویی فکری با گفته‌پرداز

گاهی گفتمان برای دفاع از خود، نیازمند حمایت مخاطب است؛ از این‌رو، گفته‌پرداز مخاطب را فرامی‌خواند تا بر گفته‌اش مهر تأیید بگذارد و نقش حامی را ایفا کند. در واقع، گفته‌پرداز با دعوت مخاطب به فضای گفتمانی، او را شاهد صدق ادعای خود قرار می‌دهد و بدین‌سان، پادگفتمانی تأییدی برای تقویت گفتار خود می‌سازد (رضایی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۸). بر همین اساس، پادسازی در نقش واسطه‌ای میان گفته‌پرداز و گفته‌اب عمل می‌کند و نظامی تعاملی و هم‌حسی میان آن دو برقرار می‌سازد تا در جریان رفتاری همدلانه، گفتمان مورد حمایت قرار گیرد (کنعانی، ۱۴۰۰، ص ۵۸).

امام صادق علیه‌السلام در بخش دوم مناظره، به‌عنوان گفته‌پرداز، با فراخواندن ابن‌ابی‌العوجاء به همسویی فکری، می‌کوشد او را در فضایی همدلانه قرار دهد تا با این پاد حمایتی، گفته‌ امام تأیید شود. ایشان با استفاده از اصطلاح «فرض کن» (یا «گیرم که بپذیرم») که بار معنایی مثبتی دارد، در تکمیل پاسخ به پرسش ملحد درباره «مصنوع بودن یا نبودن»، به تأیید گفتار خود می‌پردازد و مخاطب را به همسویی با خود فرامی‌خواند.

ابن‌ابی‌العوجاء می‌گوید: «از من سؤالی پرسیدی که کسی پیش از تو نپرسیده و بعد از تو نیز نخواهد پرسید». امام در پاسخ، با بهره‌گیری از پاد تأییدی، می‌فرماید: «فرض کن می‌دانی که کسی پیش‌تر نپرسیده؛ اما چه می‌دانی که پس از این نیز کسی نپرسد؟ افزون بر این، گفتار خود را نقض کرده‌ای؛ زیرا برای اشیاء تقدم و تأخر قائل شده‌ای، در حالی‌که مدعی بودی همه چیز از آغاز یکسان است»: «هَبَكَ عَلِمْتَ أَنَّكَ لَمْ تُسْأَلْ فِيمَا مَضَى، فَمَا عَلِمَكَ إِنَّكَ لَمْ تُسْأَلْ فِيمَا بَعْدَ؟ عَلَى أَنَّكَ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ نَقَضْتَ قَوْلَكَ، لِأَنَّكَ تَزْعُمُ أَنَّ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْأَوَّلِ سَوَاءٌ، فَكَيْفَ قَدِّمْتَ وَأَخَّرْتَ؟»

(کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۲۸).

امام با این هم‌حسی و تعامل، که با کمک اصطلاح «هَبْكَ» شکل می‌گیرد، چتر گفتمانی مؤثری می‌سازد که موجب مشارکت و در نهایت مجاب شدن مخاطب می‌شود. در بخش سوم مناظره، ابن‌ابی‌العوجاء نیز از همین پاد بهره می‌گیرد تا به‌ظاهر امام را قانع سازد. او از اصطلاح خود امام استفاده می‌کند و می‌گوید: «فرض کن که این دو حالت متفاوت در دو زمان، دلیل حدوث آن موجود باشد؛ حال اگر اشیاء در حالت کوچکی خود باقی بمانند، شما چگونه حدوث آن‌ها را اثبات می‌کنید؟» «هَبْكَ عَلِمْتَ فِي جَرِي الْحَالِيْنَ وَالزَّمَانِيْنَ عَلَيَّ مَا ذَكَرْتَ وَاسْتَدَلَّتْ عَلَيَّ حَدُوثُهَا، فَلَوْ بَقِيَتْ الْأَشْيَاءُ عَلَيَّ صِغَرِهَا، مِنْ أَيْنَ كَانَ لَكَ أَنْ تَسْتَدِلَّ عَلَيَّ حُدُوثِهَا؟» (همان، ص ۱۲۹).

امام عليه السلام در پاسخ، از گزاره‌های خود ابن‌ابی‌العوجاء بهره می‌گیرد تا او را به همسویی با خود فراخوانده و شاهد صدق ادعای خویش قرار دهد. ایشان می‌فرماید: «ما درباره وضعیت همین عالم سخن می‌گوییم. حال اگر این عالم را برداریم و عالم دیگری جای آن بگذاریم، این خود دلالتی روشن بر حدوث عالم خواهد بود؛ زیرا فرض تبدیل عالم به عالمی دیگر، عین معنای حدوث است. اکنون طبق فرض خودت -که عالم قدیم است و تغییر نمی‌پذیرد- پاسخ می‌دهم: اگر اشیاء در کوچکی خود باقی بمانند، در تصور انسان باز هم اگر چیزی به چیز دیگر افزوده شود، آن چیز بزرگ‌تر خواهد شد. همین تغییر، آن را از صفت قدم خارج می‌کند و دلیلی است بر حدوث:» «إِنَّمَا تَتَكَلَّمُ عَلَيَّ هَذَا الْعَالَمِ الْمَوْضُوعِ، فَلَوْ رَفَعْنَاهُ وَوَضَعْنَاهُ عَالَمًا آخَرَ، كَانَ لَا شَيْءَ أَذَلَّ عَلَيَّ الْحَدِيثِ مِنْ رَفَعْنَاهُ إِيَّاهُ وَوَضَعْنَاهُ غَيْرَهُ، وَلَكِنْ أُجِيبُكَ مِنْ حَيْثُ قَدَّرْتَ أَنْ تُلْزِمَنَا، فَتَقُولُ: إِنَّ الْأَشْيَاءَ لَو دَامَتْ عَلَيَّ صِغَرِهَا، لَكَانَتْ فِي الْوَهْمِ أَنَّهُ مَتَى ضَمَّ شَيْءٌ إِلَى مِثْلِهِ كَانَ أَكْبَرَ، وَفِي جَوَازِ التَّغْيِيرِ عَلَيْهِ خُرُوجُهُ مِنَ الْقَدَمِ، كَمَا أَنَّ فِي تَغْيِيرِهِ دُخُولَهُ فِي الْحَدَثِ، لَيْسَ لَكَ وَرَاءَ شَيْءٍ يَا عَبْدَ الْكَرِيمِ» (همان).

این استراتژی امام، موجب موفقیت گفتمان ایشان می‌شود و ابن‌ابی‌العوجاء از ادامه سخن باز می‌ماند. در واقع، با این استدلال که گفتمان امام در چتر حمایتی همسویی مخاطب قرار می‌گیرد، بخش سوم مناظره به پایان می‌رسد.

۶. پادگفتمان تمثیلی؛ تصویرسازی آثار حق تعالی

تمثیل، به‌عنوان یکی از پادگفتمان‌های مؤثر، نقش مهمی در ایجاد شرایطی دارد که در آن معنایی منسجم و هم‌راستا با نیت گفته‌پرداز شکل می‌گیرد. تکنیک تشبیه و تمثیل، زمینه پذیرش و باور را در مخاطب فراهم می‌سازد و با تصویرسازی ذهنی، به تقویت استدلال و گسترش گفتمان

کمک می‌کند. امام صادق علیه السلام در مناظره با ابن ابی العوجاء، از این نوع پاد بهره می‌گیرد تا مخاطب را به روشننگری و تأمل وادارد و گفتمان الهی خود را مستحکم‌تر سازد.

در بخشی از مناظره، امام از ابن ابی العوجاء می‌پرسد که اگر او «ساخته‌شده» باشد، چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد. ابن ابی العوجاء پاسخ می‌دهد و ویژگی‌هایی را برمی‌شمارد؛ اما امام پاسخ او را نقض ادعای پیشین‌اش می‌داند، چرا که وی مدعی بود همه چیز از آغاز برابر است، در حالی که در سخن خود برای مصنوعات، تقدم و تأخر قائل شده است.

برای گشودن گره ذهنی مخاطب، امام از تمثیلی ساده و در عین حال عمیق بهره می‌گیرد. ایشان می‌فرماید: «اگر کیسه‌ای از جواهر نزد تو باشد و کسی بپرسد آیا در آن دیناری هست و تو انکار کنی، سپس از تو بخواهد دینار را توصیف کنی و تو از ویژگی‌های آن بی‌اطلاع باشی، آیا می‌توانی وجود دینار را در کیسه نفی کنی در حالی که آن را نمی‌شناسی؟» ابن ابی العوجاء پاسخ می‌دهد: «نه». امام ادامه می‌دهد: «دنیا بزرگ‌تر، بلندتر و گسترده‌تر از آن کیسه است؛ شاید در این عالم، مصنوعی وجود داشته باشد که تو نتوانی صفت آن را از غیر آن تشخیص دهی»: «أَرَأَيْتَ لَوْ كَانَ مَعَكَ كَيْسٌ فِيهِ جَوَاهِرٌ، فَقَالَ لَكَ قَائِلٌ: هَلْ فِي الْكَيْسِ دِينَارٌ فَتَنَيْتَ كَوْنَ الدِّينَارِ فِي الْكَيْسِ، فَقَالَ لَكَ قَائِلٌ: صِفْ لِي الدِّينَارَ وَكُنْتَ غَيْرَ عَالِمٍ بِصِفَتِهِ، هَلْ لَكَ أَنْ تَنْفِي كَوْنَ الدِّينَارِ فِي الْكَيْسِ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ؟» قال: لا. فقال أبو عبد الله عليه السلام: «فَالْعَالَمُ أَكْبَرُ وَأَطْوَلُ وَأَعْرَضُ مِنَ الْكَيْسِ، فَلَعَلَّ فِي الْعَالَمِ صَنْعَةٌ مِنْ حَيْثُ لَا تَعْلَمُ صِفَةَ الصَّنْعَةِ مِنْ غَيْرِ الصَّنْعَةِ، فَانْقَطَعَ عَبْدُ الْكَرِيمِ، وَأَجَابَ إِلَى الْإِسْلَامِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَبَقِيَ مَعَهُ بَعْضٌ» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۲۸).

امام با این تمثیل، موفق می‌شود کلیتی منسجم برای انتقال معنا و باورپذیری مخاطب ایجاد کند، حاشیه امن گفتمانی بسازد و ابن ابی العوجاء را در موضع ضعف قرار دهد. همین امر سبب می‌شود برخی از همراهان او به اسلام گرایش یابند: «وَأَجَابَ إِلَى الْإِسْلَامِ بَعْضُ أَصْحَابِهِ وَبَقِيَ مَعَهُ بَعْضٌ» (همان، ص ۱۲۸).

هرچند خود ابن ابی العوجاء در برابر امام پاسخی ندارد، اما به فرموده امام، «کوردل‌تر از آن است که اسلام آورد» و در نهایت با کفر از دنیا می‌رود: «إِنَّهُ أَعْمَى الْقَلْبِ، لَا يُسْلِمُ أَبَدًا» (همان، ص ۱۳۳).

نتیجه‌گیری

در مناظره امام صادق علیه السلام با ابن ابی العوجاء، دانشمند مادی‌گرا، پیرامون شناخت حق و اثبات وجود باری تعالی، بررسی پادگفتمان‌های حاکم نشان داد که نظام پادگفتمانی در قالب گونه‌ها و

کارکردهای متنوع، موجب برجسته‌سازی معنایی و شکل‌گیری قدرت گفتمانی شده است. امام علیه‌السلام با بهره‌گیری از پادگفتمان‌های پرسشی، تأکیدی و ناظرساز، مؤلفه‌ساز یا ارجاعی، تأملی، فراخوانی مخاطب به همسویی فکری با گفته‌پرداز، و تمثیلی، فرایند معناسازی را با دقت و نکته‌سنجی پیش می‌برد. ایشان متناسب با شرایط گفت‌وگو، این پادهای حمایتی را به‌کار گرفته و از آن‌ها به‌عنوان چتر معنایی برای تقویت گفتمان خود بهره برده است؛ پادهایی که نقش برجسته‌ای در تغییر معنا و مجاب‌سازی مخاطب ایفا کرده‌اند.

در پاد پرسشی، امام از دو نوع استفهام بهره می‌گیرد: انکاری و حقیقی. در پرسش انکاری، هدف دریافت پاسخ نیست، بلکه انتقاد، تأثیرگذاری و تغییر معناست؛ در حالی‌که در پرسش حقیقی، امام با دریافت پاسخ از ابن‌ابی‌العوجاء، او را به اقناع نزدیک می‌سازد و با ایجاد هاله‌ای معنایی، گفتمان خود را نفوذناپذیر می‌کند.

در پاد تأکیدی، امام با تأکید بر حقانیت طواف‌کنندگان، مخاطب را به سوی باور به باری تعالی ترغیب می‌نماید و با این حمایت معنایی، زمینه پذیرش حق را فراهم می‌سازد و کارکرد پادگفتمانی را آشکار می‌سازد.

در پاد مؤلفه‌ساز یا ارجاعی، امام با ارجاع به گذشته و حال ابن‌ابی‌العوجاء -مانند به‌وجود آمدن، رشد، سلامتی، بیماری، ضعف و قوت- تغییر وضعیت وجودی او را یادآور می‌شود و از این طریق، قدرت الهی را در وجود انسان اثبات می‌نماید و گفتار خود را تقویت می‌کند.

در پاد تأملی، امام در پاسخ به پرسش مخاطب درباره لزوم آشکار شدن خداوند و دعوت مستقیم به ایمان، او را به اندیشه در خلقت و وجود خویش فرا می‌خواند تا تجلی ذات حق را در خود مشاهده کند.

در بخش دیگری از مناظره، امام با فراخواندن مخاطب به همسویی فکری و استفاده از اصطلاح «فرض کن»، چتر گفتمانی مؤثری می‌سازد که موجب مشارکت و در نهایت مجاب شدن مخاطب می‌شود.

همچنین، امام با بهره‌گیری از تکنیک تمثیل، تصویری ذهنی از آثار حق تعالی ارائه می‌دهد تا مخاطب را به روشنگری و پذیرش نزدیک سازد. این نوع پاد، ضمن تقویت استدلال امام، به گسترش گفتمان الهی منجر می‌شود و مخاطب را در برابر قدرت معنا ناتوان می‌سازد.

منابع و مأخذ

۱. پایدارفرد، آرزو؛ محمدزاده، مهدی و بلخاری قهی، حسن (۱۳۹۷)، «تحلیل پادگفتمان قرآنی دو نگاره حضرت یوسف در زندان و حضرت یونس و ماهی از فال‌نامه شاه تهماسبی»، باغ‌نظر، سال ۱۵، شماره ۶۹، صص ۲۹-۳۸.
۲. پورنداف حقی، شیوا؛ اشرف‌زاده، رضا؛ تسلیمی، علی و خائفی، عباس (۱۳۹۴)، «زاویه دید در سه داستان کوتاه از بیژن نجدی»، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۹، صص ۱۲۷-۱۵۲.
۳. جان‌احمدی، فاطمه و نیک‌آفرین آلانق، مهدی (۱۳۹۱)، «ویژگی‌ها و شاخصه‌های نظام آموزشی امام صادق (ع)»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۱۰.
۴. خاکپور، حسن؛ قربانی، افسانه و رضوی‌دوست، غلامرضا (۱۳۹۹)، «تحلیل رویکرد ارتباطات امام صادق (ع) با سران فرقه زیدیه (با بهره‌گیری از روش تحلیل گفتمان روایی پدما)»، دین و ارتباطات، سال ۲۷، شماره ۱ (پیاپی ۵۷)، صص ۲۶۷-۲۹۵.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱)، انسان ۲۵۰ ساله، چاپ دوازدهم، قم: صهبا.
۶. خدادادی، فضل‌الله (۱۴۰۳)، «نقش پادگفتمان‌ها در جهت مجاب‌سازی مخاطب در قابوس‌نامه»، جستارهای زبانی، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۶۹-۹۴.
۷. خدادادی، فضل‌الله و قاسم‌زاده، سیدعلی (۱۴۰۰)، «بررسی و تحلیل تعامل تنشی - شوشی در گفتمان نفثه المصذور»، جستارهای زبانی، دوره ۱۲، شماره ۴ (پیاپی ۶۴)، صص ۴۶۷-۴۹۴.
۸. داودی‌مقدم، فریده؛ شعیری، حمیدرضا و قطبی، ثریا (۱۳۹۶)، «نقش پادگفتمان‌ها در تحلیل گفتمانی سوره کهف»، پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن، سال ۶، شماره ۱ (پیاپی ۱۱)، صص ۱-۱۶.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، جلد ۴، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. رضایی، رؤیا؛ مشهدی، محمدا میر؛ شعیری، حمیدرضا و نیک‌بخت، عباس (۱۳۹۶)، «بررسی و تحلیل کارکرد پادگفتمانی نامه‌های نیما یوشیج»، زبان و ادبیات فارسی، سال ۲۵، شماره ۸۲، صص ۱۳۳-۱۵۴.

۱۱. رضایی، رؤیا؛ مشهدی، محمدمیر و نیکبخت، عباس (۱۳۹۵)، «نقش پادگفتمانی استعاره زبانی در ترمیم فرایند ارتباطی در نامه‌های نیما یوشیج»، جستارهای زبانی، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۳۰)، صص ۱۰۵-۱۲۱.
۱۲. رضایی، غلامرضا (۱۳۹۶)، «مناظره امام صادق علیه‌السلام با زندیق مصری هنگام طواف»، میقات حج، سال ۲۵، شماره ۹۹، صص ۱۰۸-۱۳۲.
۱۳. سپنجی، امیرعبدالرضا و مؤمن‌دوست، نفیسه (۱۳۹۰)، «افناع و تغییر نگرش و جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم؛ مروری بر مناظرات مکتوب حضرت رضا علیه‌السلام»، دین و ارتباطات، سال ۱۸، شماره ۲ (پیاپی ۴۰)، صص ۱۱۷-۱۴۴.
۱۴. سجادی‌فر، وحید و پرینان، موسی (۱۴۰۱)، «کارکرد پادگفتمان‌های دینی و آیینی در پیشبرد روایت؛ مطالعه موردی قصه‌های عامیانه کوتاه ایران»، روایت‌شناسی، سال ۶، شماره ۱۱، صص ۱۸۹-۲۱۸.
۱۵. شعیری، حمیدرضا (۱۴۰۳)، نشانه‌معناشناسی دیداری، چاپ سوم. تهران: سخن.
۱۶. شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۵)، نشانه‌معناشناسی ادبیات؛ نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۱۷. صرفی، زهرا؛ فتاحی‌زاده، فتحیه و سروق‌د مقدم، سمیه (۱۴۰۱)، «رهیافت‌های معرفتی و اخلاقی برای احیای حقیقت اسلام در نامه منسوب به امام صادق علیه‌السلام»، کتاب قیم، دوره ۱۲، شماره ۲۶، صص ۲۳۳-۲۵۳.
۱۸. قاسم‌پور، محسن (۱۳۸۹)، «تأثیر آموزه‌های امام صادق علیه‌السلام بر مباحث کلامی شیعه»، حدیث‌پژوهی، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۱۷-۱۴۶.
۱۹. قره‌خانی، محمدجواد؛ سیدهاشمی، سیدمحمد اسماعیل و دارابکلاهی، اسماعیل (۱۳۹۸)، «برهان اثنی در مناظره امام صادق علیه‌السلام با زندیق مصری از نگاه آیت‌الله جوادی آملی»، اندیشه نوین دینی، سال ۱۵، شماره ۵۹، صص ۱۳۱-۱۴۲.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۱)، الأصول من الکافی، شرح و ترجمه محمدباقر کمره‌ای، جلد ۱، تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۱. کنعانی، ابراهیم و رزمی، فاطمه (۱۴۰۰)، «بررسی و تحلیل کارکرد پادگفتمانی در داستان شیخ صنعان»، ادبیات عرفانی، سال ۱۳، شماره ۲۴، صص ۴۱-۶۹.

۲۲. مجیدی، حسن و اعتضادی‌فر، مهناز (۱۳۹۶)، «تحلیل گفتمان احتجاجات و مناظره‌های امام صادق (ع)»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۷۱، سال ۲۱، شماره ۲، صص ۱۷۹-۱۹۶.
۲۳. محمدی، محمدعلی و جاودان، محمد (۱۳۹۶)، «رویکرد برهانی امام صادق (ع) در مواجهه با پرسش‌ها و شبهات اعتقادی»، پژوهشنامه مذاهب اسلامی، سال ۴، شماره ۷، صص ۶۹-۸۶.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۴۰۲)، سیری در سیره ائمه اطهار، تهران: صدرا.
۲۵. معتمد لنگرودی، فرشته؛ رضی بهابادی، بی‌بی‌سادات و فتاحی‌زاده، فتحیه (۱۴۰۰). «کاربست روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در مناظره امام صادق (ع) با عمرو بن عبید معتزلی»، حدیث‌پژوهی، سال ۱۳، شماره ۲۶، صص ۱۸۷-۲۱۴.
۲۶. معین، محمد (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر.
۲۷. مک‌دانل، دانیال (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان، ترجمه حسینعلی نوزری، چاپ اول، تهران: فرهنگ گفتمان.
۲۸. مهدی راونجی، غلامرضا (۱۳۹۲)، «چیستی نظریه ایمان از دیدگاه امام صادق (ع)»، حدیث‌پژوهی، سال ۵، شماره ۹، صص ۲۰۳-۲۹۰.
۲۹. وان‌دایک، تئون.ای (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان؛ از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی، ترجمه ایزدی، بهرامپور، خرمایی، کاشی، میر فخرایی، چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۰. یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۳)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، چاپ اول، تهران: هرمس.